

یکی از برنامه‌های ویژه سی‌امین سالگرد انقلاب تلویزیون، ترانه‌ای را روی تیتراژ خود گذاشته بود که نوستالژی پدرها و مادرهای خیلی از ماست

# زمستون تن‌عریون باغچه



حسین آهنیان مقدم معروف به افشین مقدم در قطعه ۹ دریف ۹۸، شماره ۳۵ به خاک سپرده شد

## هدی ایزدی

«افشین مقدم - خواننده معروف - پنجشنبه گذشته در یک حادثه رانندگی کشته شد و دوستان و علاقه‌مندان خود را عزادار ساخت... افشین مقدم در بین دوستان و رفقا از محبوبیت خاصی برخوردار بود و تواضع و فروتنی او زبانزد همه بود. به طوری که شنیده‌ام، افشین پنجشنبه گذشته، حدود ساعت ۲ نیمه شب، پس از اجرای برنامه به اتفاق ۳ تن از موزیسین‌های خود به قصد تفریح و استراحت، عازم شمال می‌شود که در نیمه‌های راه با اتوبوسی که از مشهد به طرف تهران می‌آمد، تصادف می‌کند و قبل از اینکه به بیمارستان برسد، فوت می‌کند...» اینها را یکی از نشریات، چندروز بعد از مرگ افشین مقدم با قلم درشت نوشت و یکی از عکس‌های

باید کمی از شانس گفت، آن هم وقتی که سعید دبیری، ترانه‌سرای معروف (که برای علیرضا افتخاری هم ترانه‌هایی گفته) از روزهایی تعریف می‌کند که افشین مقدم، در تراس رستورانی حوالی شمیران آواز می‌خوانده و دبیری اتفاقاً سری به آنجا زده بوده و دوستی‌شان با هم شروع می‌شود. در خلال همین رفاقت، ترانه ماندگار «زمستون» توسط دبیری گفته می‌شود و قصه خوب آلبوم‌هایی دوست‌داشتنی شروع می‌شود. بله، گاهی باید از شانس گفت.

## زمستون گل کرد

استودیو بل، اولین جایی بود که آهنگ‌های ماندگار افشین مقدم را ضبط کرد؛ آن هم آهنگ‌هایی با سازهای اصل و نه کی‌بورد و کامپیوتر. البته بضاعت موسیقی آن زمان این‌اصیل‌بودن را می‌طلبید. آهنگ‌های افشین با ویولن، ویولن آلتو، ترومپت، ساکسیفون، پیانو، گیتار، فلوت، درامز

او را با همان موهای فر فری و چشم‌های متعجب، کنارش چاپ کرد. چهار سال قبلش، آلبوم «زمستون» با آهنگ‌هایی ملایم و لطیف و با تمی شبیه آهنگ‌های کورش یغمایی، دل جوان‌ها را برده بود و سال‌ها بعد، وقتی روی تیتراژ پايانی یک برنامه تلویزیونی به نام «باز یگران دیکتاتور» که از شبکه سوم سیما و به مناسبت سی‌امین سالگرد پیروزی انقلاب پخش می‌شود شنیده شد، خیلی‌ها پای تلویزیون، آدرنالین خورشان بالا زد، غافل از اینکه مدت‌هاست آلبوم «زمستون» و «آخرین طبیب» افشین مقدم - خواننده سال‌های دور پیش از انقلاب - با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد، آدرنالین خون خیلی از آدم‌های عشق‌نوستالژی را بالا برده بود و ترانه‌هایش گاه و بیگاه از رادیو پیام هم پخش می‌شود.

(جاز) و قانون اجرا شده بودند که همگی در استودیو حاضر بودند و هیچ صدایی هم بعداً میکس نشده بود. می‌دانید معنی این حرف چیست؟ یعنی آهنگ‌های افشین مقدم به صورت کامل زنده ضبط شده بودند و برای ضبط هر کدام از آنها، نوازندگان، خواننده و آهنگساز حضور داشتند.

شاید به همین دلیل بود که با ورود آلبوم «زمستون» به بازار موسیقی، مقدم به یکباره گل کرد و آن قدر طرفدار پیدا کرد که برای کلید زدن آلبوم بعدی، بلافاصله انگیزه پیدا کند. این آلبوم ۱۸ تا آهنگ داشت و چیزی توی مایه‌های پاپی بود که با راک کمی قاتی شده باشد و حتی برعکس.

## نوستالژی به میزان لازم

مثل اینکه آن زمان طرفداری از صداهایی توی مایه‌های افشین مقدم و آهنگ‌هایی که ریتمشان نه چندان تند و نه چندان آرام باشد، مد بوده. ترومپت‌های کشدار هم که روی شاخشان بود. افشین مقدم و آهنگ‌های خوش ساختش هم از این قاعده مستثنا نبود. البته افشین، ظاهر خوبی هم داشت و همین او را برای جوان‌هایی که خودشان، بلوزهای تنگ با آستین‌های بالا زده می‌پوشیدند و پاچه‌های شلوارشان روز به روز گشادتر می‌شد، جذاب‌تر می‌کرد. حضور او در برنامه‌های مختلف، روز به روز به شهرتش اضافه کرد. البته ماندگاری آهنگ‌های او را نباید نادیده گرفت.

قطعه‌های کاردرستی مثل «زمستون»، «جای تو خالی»، «مسافر» و «آخرین طبیب»، انصافاً، هم ترانه‌های خوبی دارند، هم خوش ساخت هستند و هم صدای باز افشین مقدم روی آنها خوش نشسته است.

فضای کلی آهنگ‌ها هم آن قدر دلنشین است که حالا بعد از بیش از ۳ دهه، از شرمندگی حس نوستالژیک دربیاید. البته اگر در آلبوم‌های «زمستون» و «آخرین طبیب» افشین که هر دو هم از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مجوز دارند، سیری نکنید، حتماً از شنیدن بعضی آهنگ‌ها تعجب



## جای تو خالی

نوید غضنفری

«برای دوستم، امیر پایاب که آن قدر نماند تا «جای تو خالی» را با صدایش ضبط کنیم»...

سال آخر دبیرستان بودیم که بعد از ظهرها با علی و امیر می‌رفتیم خانه پویان تا تمرین موسیقی کنیم. پویان تازه یاد گرفته بود ملودی‌های بلوز پیانوی آهنگ «جای تو خالی» را بدون تپق با کی‌بوردش بزند و علی با صدای گرمش که انصافا در حد صدای مخملی افشین مقدم است، روی ترکیب سازهای ما می‌خواند: «...من اینجا تنها هستم/ تو اونجا بی‌خیالی...». خلاصه دق دلی همه چیز و به خصوص صبح‌های قشنگی را که توی دبیرستان مرتب تلف می‌شد، روی سازهایمان خالی می‌کردیم؛ «...تو آشیون چشمم/ جای تو مونده خالی...». «زمستون» قطعه نسبتا ساده تری است و فقط با یک کورد عوض کردن ساده هم می‌شد راحت اجراش کرد. یک بار روی یکی از تمرین‌ها، امیر که پای همیشگی مان بود، «جای تو خالی» را با اولین ملودی‌های پویان خواند. ما ۳ نفر هم که کرک و پرمان ریخته بود تازه فهمیدیم که همیشه یک خواننده تکنیکی کنار دستمان بوده و نمی‌دانستیم از این به بعد بود که علی، روی اجرای جای تو خالی، میکروفون را می‌داد به امیر تا بخواند. با هم قراری گذاشتیم که هر موقع یک پول حساسی رسید به‌مان، اولین کار، ضبط این قطعه در یک استودیوی کاملا حرفه‌ای باشد.

... ۲سال پیش بود که پویان از شهرستان مان تماس گرفت. به رسم رفاقت قدیم نشسته بود پای کی‌بوردش و به جای «سلام» ملودی بلوز پیانوی جای تو خالی را زد، بعد هم که می‌خواست باهام حرف بزند، یکپهو پقی زد زیر گریه که: «دیدید امیر نموند تا باهامون بخونه...». امیر توی بزرگراه چمران شیراز تصادف شدیدی کرد و تا برساندش به بیمارستانی جای، دیگر از پیش مارفته بود؛ به همین سادگی.

رسید... او مرتب از مرگ سخن می‌گفت. ترانه مسافرش را چندین بار خواند... می‌گفت از تمام فامیل خداحافظی کرده‌ام. وقتی حادثه پیش آمد، من و افشین به بیرون ماشین پرت شدیم و مدت‌ها کنار جاده بودیم. قسمت چپ بدنش به کلی خرد شده بود و خون زیادی از بدنش می‌رفت.

بعد از مدتی یک شورلت به کمک ما آمد. افشین دیگر رمقی نداشت. او فقط به من نگاه می‌کرد. انگار می‌خواست به من حالی کند بهروز، دیدی گفتم زندگی من همین جا تموم شده... اتومبیل به سرعت جاده هراز را طی می‌کرد... خدای من! افشین دیگر نگاه نمی‌کرد...»

اینجا حرف‌های همراهان افشین در سفر کدایی‌اش است؛ همان‌هایی که وقتی در بیمارستان به هوش آمدند، روایت بالا را برای یکی از مجلات تعریف کردند. افشین مقدم، با این تصادف درگذشت، در حالی که چند روزی از به دنیا آمدن دخترش، مینو نمی‌گذشت.

دوستانش هم برای مراسم جهلمش سنگ تمام گذاشتند و قطعه‌ای را با صدای کیوان - دوست صمیمی‌اش - ساختند. ناصر چشم‌آذر و امیر خسته هم او را در ساخت این قطعه کمک کردند. آهنگی که بر اساس آهنگ معروف زمستون و البته با تغییراتی در ملودی آن ساخته شد.

در این آهنگ که به «گل افشین» معروف است، می‌توانید در انتهای آلبوم زمستون هم آن را بشنوید، از افکت راه رفتن، سوار اتومبیل شدن، حرکت، تصادف، صدای قلب و... استفاده شده و همین‌ها آن را به قطعه‌ای سوزناک تبدیل کرده است.

می‌کنید و دستتان می‌آید که این آهنگ‌ها را پیش از دیگران، افشین خوانده بوده و بعدها بقیه خواننده‌ها با خوشحالی، آنها را بازخوانی کرده‌اند.

### سیمای مردی بر دیوار

خیلی از طرفدارهای دو آتشه مقدم نمی‌دانستند که خواننده محبوبی که با اسم کوچک افشین می‌شناختند، همان حسین آهنیان مقدم است؛ پسری که مهر ۱۳۲۴ به دنیا آمده بود و در همان دوران کودکی، شاگرد استاد عطاءالله خرم بود؛ شاگردی که البته خوب توانست درس پس بدهد و خیلی زود توی دل همه خودش را جا کرد.

بیشترین تصویری که از افشین در ذهن جوان‌های ۳ دهه پیش و حالا ما جا خوش کرده، تصویری است که در آن دست به کمر ایستاده و زل زده به لنز دوربین، بدون هیچ حالتی و ساعت مچی درشتش هم ساعت ۸:۴۵ را نشان می‌دهد، همان عکسی که بلافاصله بعد از گرفتن مجوز آلبوم‌هایش در سال ۸۲ از ارشاد، پوستر شد و در کنار پوستر دیگر خواننده‌ها، در فروشگاه‌های محصولات فرهنگی به در و دیوار کوبیده شد.

### عمر این سفر کوتاه، کوتاه

«... حدود ساعت یک نیمه‌شب بود که تصمیم گرفتیم به شمال برویم. مقصد ما بیشه کلا بود. افشین راندگی می‌کرد. حدود ۴۰ کیلومتر به امل مانده بود که او از یک سواری سبقت گرفت و به محض اینکه به سمت چپ جاده متمایل شد، اتوبوسی از مقابل



وقتی «زمستون» روی تیتراژ پایانی «باز یکران دیگتاتور» که از شبکه سوم سیما و به مناسبت پیروزی انقلاب پخش می‌شود، شنیده آدرنالین خونشان بالا زد

### «زمستون» ماندگارترین اثر افشین مقدم است

#### قصه گل و گلدون

آلبوم «زمستون» با صدای افشین، چند سال پیش با مجوز رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، منتشر و وارد بازار موسیقی شد؛ جالب اینکه جوان‌های امروز و این نسل هم درست مثل نسل پدران و مادران ما با آهنگ‌های آن ارتباط برقرار کرده‌اند. آشنایی و دوستی کاملاً تصادفی افشین با سعید دبیری، ترانه‌سرا و شاعر (که بعد از انقلاب هم ترانه بعضی از قطعات امیر تاجیک و افتخاری را گفته) و هم‌نشینی گل و گلدونی که در ترانه «زمستون» هم به آن اشاره می‌شود، به اتفاقی همچون به‌وجود آمدن قطعه «زمستون» منجر می‌شود؛ ترانه‌ای که برای اولین بار از مرگ گل بدون گلدون و حکایت‌های عاشقانه‌شان می‌گوید؛ حکایت تلخی که با حال و هوای زمستان ۵۷ و مبارزات مردم کاملاً هماهنگ است.

زمستون تن عریون باغچه چون بیابون / درختا با پاهای برهنه زیر بارون نمی‌دونی تو که عاشق نبودی / چه تلخه مرگ گل برای گلدون گل و گلدون چه شب‌ها نشستن بی‌پهانه / اوسه هم قصه گفتن عاشقانه چه تلخه چه تلخه / باید تنها بمونه قلب گلدون

مث من که بی تو / انشستم زیر بارون زمستون

زمستون برای تو قشنگه پشت شیشه / بهاره، زمستون برای تو همیشه تو مثل من / زمستونی نداری / که باشه لحظه چشم‌انتظاری گلدون خالی / ندیدی نشسته زیر بارون / گلای کاغذی داری تو گلدون تو عاشق نبودی / بینی تلخه روزای جدایی / چه ساخته چه ساخته بشینم بی تو با چشمای گریون / بشینم بی تو با چشمای گریون...

### دو آلبوم معروف و محبوب افشین مقدم، با نوازندگی و همراهی کیوان، در بازار رسمی موسیقی منتشر شده است

#### پشت شب صبح سپیده

#### آلبوم «آخرین طیب»



شاید «آخرین طیب» به اندازه «زمستون» همه گیر و تبدیل به موسیقی مردمی نشد اما در عوض آهنگ‌هایی را به کلکسیون‌های پیگیران جدی موسیقی کشورمان تقدیم کرد؛ مثل قطعه «جای تو خالی» اش که در واقع آهنگی است با ترانه‌های سبک بلوز که از روی ملودی‌های مدرن پیانوی آن هم می‌توان این لحن را کاملاً حس کرد، یا مثلاً در آهنگ «ستاره» که نوای ترومپت آن تاحدی گونه این آهنگ را به شاخه «جز» نزدیک می‌کند. بنا بر این می‌بینیم که افشین و کیوان می‌توانند جزو یکی از گروه‌های ۲ نفره پیش‌تاخته موسیقی ایران قرار بگیرند که سعی داشتند موسیقی پاپ را یک جوری به موسیقی روز جهان نزدیک کنند. البته توی این مجموعه، قطعه‌هایی هم مثل «به امیدت می‌مونم» (البته با صدای کیوان) هست که بیشتر مشابه قطعه‌های پاپ معمول (مثلاً نزدیک به لحن کارهای واروژان یا منفردزاده) است، یا قطعه «غریبونه» که اصلاً ملودی‌ای است که بعدها توسط واروژان برای یکی از خواننده‌های دیگر پاپ تکرار شد یا شاید ادای دینی به افشین و کارهایش بود.

ان.غ

#### آلبوم «زمستون»



می‌توان ادعا کرد که زوج افشین و کیوان، توی این آلبوم غافلگیرکننده شکل گرفتند، درست وسط روزگاری که همه باها و مامان‌های ما هم خواهان بسیاری تغییرات بودند. این زوج تقریباً ناجور (البته از لحاظ ظاهر، چون افشین ترکه‌ای بود و کیوان تپل!) معلوم بود که با ترانه‌ها و ملودی‌های متفاوتشان خیال داشتند آثاری نو و البته با نکه داشتن تمام معیارهای و مؤلفه‌های محبوب و به اصطلاح «پاپ»، موسیقی خلق کنند. ترانه‌های «زمستون»، «مسافر»، «به من نهند» و «فانوس ماه» در این آلبوم، به جوان‌های معترض و خسته از ترانه‌های خنثی، بی‌محتوا و بی‌بخار رایج معرفی شدند. ترانه ماندگار «زمستون» - اثر سعید دبیری - همان‌گونه که سبک رمانتیک مختص به همان دوران را کاملاً حفظ می‌کند، در عین حال می‌تواند با نسلی که چیزی بیشتر از یک آهنگ فقط «قشنگ» و گوش‌نواز را می‌خواهند، به راحتی ارتباط برقرار کند؛ «...گل و گلدون چه شب‌ها / نشستن بی‌پهانه / اوسه هم قصه گفتن عاشقانه...». به عنوان مثال آهنگ «به من نهند»، یک قطعه پر ضرب و با ریتم نسبتاً تند است و «فانوس ماه» یک «بالاد» آرام با تمه‌های اسپایش که رفته‌رفته به یک «بالاد» نسبتاً تند مبدل می‌شود.